

## ■ کاغذ در نسخه‌های خطی ایرانی-اسلامی

حبیب‌الله‌عظیمی

### ■ چکیده

هدف: پس از معرفی کاغذهایی که در نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی میان مسلمانان و ایرانیان مورد استفاده قرار می‌گرفت، چند نوع رایج و شناخته شده و ویژگی‌ها و دوره تقریبی کاربرد هر یک بیان می‌شود و نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی که هر یک از انواع توصیف شده بر آنها نوشته شده است، معرفی می‌شود.

اهمیت موضوع: کاغذ بخشی از هویت و پیشینه تاریخی نسخه خطی است. فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی، به ویژه ایرانیان، کوشیده‌اند نوع کاغذ نسخه‌های خطی را، حتی با حدس و گمان تعیین کنند. مشکل‌ترین بخش نسخه‌شناسی تحلیل ویژگی‌های کاغذ است.

اصالت: فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی هیچ‌گونه بررسی تحلیلی، همراه با تعیین ضوابط و معیارهای مشخص، برای تعیین نوع کاغذهای معرفی شده به دست نداده‌اند. برای جبران این نقیصه و پیشگیری از حذف این عامل مقاله حاضر نوشته شده است.

### کلیدواژه‌ها

ورق، کاغذ، نسخه‌شناسی، کتاب‌پردازی، نسخه‌های خطی

# کاغذ در نسخه‌های خطی ایرانی-اسلامی

حبیب‌الله عظیمی<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۳۰

## مقدمه

هر نسخه خطی پیشینه‌ای دارد و بررسی و تبیین این سرگذشت و پیشینه، نمایانگر بخش‌هایی از تمدن قومی است که این نسخه در میان آنان تدوین شده است. از دیدگاه نسخه‌شناسان، کاغذ در نسخه‌های خطی بخشی از هویت آن را تشکیل می‌دهد.

تعیین نوع ورق و کاغذ، در نسخه خطی، به منزله تعیین منشأ جغرافیایی آن؛ نگرش کاتب نسخه - در انتخاب نوع کاغذ از جهت ماندگاری و میزان اهمیت موضوع و عنوان کتاب؛ میزان تناسب کیفیت کاغذ با محتوای کتاب و حتی نوع مرکبی که در استنساخ آن کتاب به کار رفته؛ و نقش و جایگاه کاتبان و ورقان در دوره زمانی کتابت نسخه است.

بنابراین، کاغذ، در نسخه خطی، از لحاظ تنوع آن و ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک از اجزای هر نسخه خطی، به عنوان یک ماده نوشتاری صرف لحاظ نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند یک موضوع محتوایی و پژوهشی باشد. بدین لحاظ است که فهرست‌نگاران مسلمان، به ویژه ایرانیان، در معرفی و فهرست نسخه‌های خطی به بررسی و تعیین عنصر کاغذ، به عنوان بخشی از نسخه‌شناسی، اهتمام داشته‌اند.

## جایگاه ورق و گونه‌های آن

ورق، از دیدگاه کاتبان و ورقان، یکی از ارکان چهارگانه کتاب‌پردازی نسخه خطی است. سه

۱. استادیار پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
Azimi@nlai.ir

رکن دیگر مداد (مرکب)، قلم (خط)، و جلد است. در اشعار بزرگان، اشاراتی در خصوص ارکان چهارگانه کتاب‌پردازی بیان شده است:

**خواجهی کرمانی (غزلیات، غزل شماره ۲۸۷۲):**

ورقِ نسخه رویت به گلستان بردیم      باز مرغان چمن را به فغان آوردیم

**مولوی، دیوان شمس، (غزلیات، غزل شماره ۲۸۷۲):**

ای عطارد بس از این کاغذ و از حبر و قلم      زفتی و لاف و تکبر حیل و پرهیزی

**مولوی، دیوان شمس (غزلیات، غزل شماره ۲۵۳۰):**

گر در دست سلطانی اگر در کف سالاری      کر و فر قلم باشد به قدر حرمت کاتب  
سرش را می شکافد او برای آنچه او داند      که جالینوس به داند صلاح حال بیماری  
نیارد آن قلم گفتن به عقل خویش تحسینی      نداند آن قلم کردن به طبع خویش انکاری  
اگر او را قلم خوانم و اگر او را علم خوانم      در او هوش است و بی هوشی زهی بی هوش هشیاری  
نگنجد در خرد و صفش که او را جمع ضدین است      چه بی ترکیب ترکیبی عجب مجبور مختاری

**سعدی (قصاید، قصیده شماره ۵۴):**

ملوک روی زمین بر سواد منشورت      نهاده سر چو قلم بر بیاض بغدادی

**خاقانی، دیوان اشعار، (قصاید، شماره ۱۷۳، در موعظه و تجرید و تخلص به مرگ عمومی خود):**

دل از امل دور کن ز آنکه نه نیکو بود      مصحف و افسانه را جلد بهم ساختن

**عطار، اشترنامه (حکایت استاد نقاش):**

هر یک از لونی دگر آرد برون      اوستاد جلد سازد پر فنون

در ساخت ورق، از بدو ظهورش، سه نوع ماده به کار رفته است: پایپروس، پوست، و کاغذ. ساخت ورق از جنس پایپروس، در قرن اول و اوایل قرن دوم ق.، در مصر - از لحاظ سابقه تولید آن در مصر از زمان‌های قبل‌تر - رواج داشت؛ تا آنکه کاغذ چینی جای آن را گرفت. اگرچه در قرن سوم کم‌کم کاغذ به جای پایپروس به کار گرفته شد، تا حدود اواسط قرن پنجم ق. استفاده از پایپروس در ساخت ورق در مصر رواج داشت و در این زمان، با رواج کاغذ، تولید پایپروس در مصر متوقف شد (عظیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳). در کنار پایپروس و تا قبل از

ظهور کاغذ، پوست هم در کتابت مورد استفاده قرار می‌گرفت.

## اختراع کاغذ و شیوه تولید آن

واژه کاغذ، ظاهراً در اصل از زبان چینی وارد زبان ترکی شده، سپس از ترکی به زبان عربی راه یافته و از این طریق وارد زبان فارسی شده است. در متون قدیمی، این واژه را با دال (کاغذ) می‌نوشتند. در زبان عربی، برای کاغذ کلمه «قرطاس» را به کار می‌بردند که از واژه یونانی «خارتس» گرفته شده است (آذرنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷). در زبان انگلیسی، به کاغذ «Paper» می‌گویند که از واژه لاتین «Papyrus» و یونانی «Papuros» گرفته شده است (آذرنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷).<sup>۲</sup>

کاغذ، نوعی بافته گیاهی است، ورقه‌ای نازک که از خمیرهای مواد گیاهی مانند پوست و چسب و درخت، پارچه، و پنبه ساخته می‌شود (آذرنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۵۸).

فرآیند تولید کاغذ هم از این قرار است که الیاف سلولزی را در آب می‌گذارند تا رطوبت را جذب کنند و متورم و نرم شوند؛ سپس، آنها را روی یک شبکه سیمی ظریف پهن می‌کنند تا آب موجود در الیاف گرفته شود و رشته‌های مربوط بر سطح شبکه فرو نشینند و یک تخته شوند. الیاف، با از دست دادن آب به هم نزدیک می‌شوند و در نقاطی که الیاف روی هم قرار می‌گیرند نوعی اتصال شیمیایی از نوع هیدروژنی شکل می‌گیرد و آنها را به هم متصل می‌کند و این اتصال موجب چسبندگی و سختی و استحکام پافت کاغذ می‌شود. کاغذ، پس از خارج شدن آب از الیاف سلولزی و خشک شدن آنها ساخته می‌شود (دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ذیل «کاغذ»).

در قرن ۱۷ ق.م، در چین، قطعه‌های خیزران (نی هندی) و چوب به‌عنوان ماده کتابت مورد استفاده قرار می‌گرفت و این شیوه تا زمانی طولانی ادامه داشت. بعدها قطعات مستطیل شکل کوچک خیزران یا چوب را با نخ به یکدیگر می‌بافتند و آن را به شکل کتاب درآورده و استفاده می‌کردند.

مراحل ابتدایی ساخت کاغذ در چین، به عهد خاندان «هان غربی» (۲۰۶ ق.م - ۲۲۴ م.) باز می‌گردد. این کاغذهای اولیه را کاغذ «ختا» می‌نامیدند. چینیان، نخست، پس از خشک کردن الیاف حریر متعلق به حصیرهای شناور در آب‌ها، شاهد تشکیل لایه نازکی از الیاف حریر بودند که پس از جدا کردن این لایه از سطح حصیر، ورق الیاف حریر به‌دست می‌آمد و بر آن نام ختا و یا ورق کتانی می‌گذارند. این اکتشاف، اولین مرحله تولید کاغذ در زمان‌های گذشته بود. در عهد خاندان «هان شرقی»، برخی مردم، حریر را با عنوان ماده کتابت استفاده می‌کردند؛ ولی با توجه به گرانی قیمت آن، عامه مردم استطاعت استفاده از آن را نداشتند و این امر مانع انتشار حریر به‌عنوان ماده کتابت در سطح گسترده شد. و به همین جهت، باید

۲. همچنین رجوع شود به:  
The American Heritage Dictionary.  
"papyrus".

ماده‌ای برای کتابت یافته می‌شد که هم کتابت بر روی آن آسان و هم قیمت آن ارزان باشد (خالدعزب، ۲۰۰۷، ص ۳۸).

چینیان، از دیرباز، از پوست درخت توت و گرد ساقه خشک درخت خیزران نوعی کاغذ می‌ساختند، اما از حدود اوایل قرن ۲ م. از ترکیب پوست درخت توت و الیاف کنف کاغذهایی می‌ساختند که در تمدن چین مصرف داشت (آذرننگ، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱).  
بر مبنای این نوع کاغذ ابتدایی و نامناسب، چینی‌ها در قرن دوم م. کاغذهای مناسب‌تری برای کتابت را تولید کردند که مواد خام آنها الیاف نباتی بود (خالدعزب، ۲۰۰۷، ص ۳۷-۳۹).  
چینی‌ها، پس از کسب تجارب زیاد، کاغذهای ارزان و نرم و مناسب برای کتابت را تولید کردند و این اکتشاف به منزله انقلابی صنعتی در ابزار و وسائل کتابت بود.

### ساخت کاغذ در چین، سمرقند و ایران

رشیدالدین فضل‌الله، در کتاب آثار و اخبار مطالبی درباره کاغذ چینیان دارد که در آنجا چنین گوید (همدانی، ۱۳۳۸، ص ۲۶): «ایشان [چینی‌ها] اکثر کاغذ از پوست درخت توت می‌سازند که جهت ابریشم گرفتن بریده باشند و از پوست دیگر درخت‌ها می‌کنند...»  
از اشارات ابوریحان بیرونی، در کتاب الجماهر (ص ۳۸۵) ذیل ذهب برمی‌آید که در سمرقند قدیم کاغذ را از کنف می‌ساخته‌اند.<sup>۳</sup>

کاغذ، در ایران، از خمیر کردن پنبه و لته‌های کهنه کرباسین ساخته می‌شد. در منابعی همچون جغرافیای اصفهان [ص ۱۲۱]، سفرنامه خسرو میرزا [ص ۲۲۰]، و سفینه طالبی [ص ۲۱۹ و ۲۰] به موادی همچون پارچه کهنه، کتان، پنبه، ابریشم، و سایر نباتات و کاه درخت، به‌عنوان مواد اولیه ساخت کاغذ اشاره شده است (افشار، ۱۳۹۰، ص ۸۵-۸۶).

### تولید کاغذ در میان مسلمانان

حکایات متعددی در خصوص نحوه انتقال کاغذ چینی به میان مسلمانان وجود دارد، ولی همه آن روایات بر انتقال این صنعت در قرن ۸ م. (۲ ق.) تأکید دارند؛ یعنی ۶ قرن پس از اختراع آن توسط تسای لون (به سال ۱۰۵ م.). به گفته جهشیاری در کتاب الوزراء والکتاب، ایرانیان، قبل از آن بر روی پوست و چرم می‌نوشتند و می‌گفتند: «بر روی ماده‌ای که در کشورمان وجود نداشته باشد نمی‌نویسیم» (جهشیاری، ۱۳۴۸، ص ۱۳۸).

داستان انتقال کاغذ به میان مسلمانان، به ظهور انقلاب در بخارا (ماوراءالنهر) به سال ۷۵۱ م.، به حکم ابومسلم خراسانی در خراسان برمی‌گردد. ایشان، زیادبن صالح را در رأس یک لشکر ۱۰،۰۰۰ نفری به‌عنوان رهبر و حاکم بدانجا فرستاد. وی، در کارزاری که در آن منطقه با چینیان

۳. هم‌اکنون در کارگاه تولید کاغذ دست‌ساز به شکل سنتی که در کنار آسیاب آبی و در نزدیکی شهر سمرقند وجود دارد، کاغذ را از پوسته‌های درختان توت می‌سازند. نگارنده در سال ۱۳۸۷ روند و مراحل تهیه کاغذ در آن کارگاه را از نزدیک مشاهده کرده و نمونه‌هایی از کاغذهای دست‌ساز آن کارگاه را به نمایشگاه نسخ نفیس خطی کتابخانه ملی آورده و در آنجا به نمایش گذارده است.

انجام داد، تعداد زیادی از آنان اسیر گرفت که در میان اسیران، کسانی بودند که صنعت ساخت کاغذ را به خوبی می دانستند. زیادبن صالح، این اسیران را از شهر اُتلخ به سمرقند منتقل کرد و توسط آنان اولین کارگاه تولید کاغذ را برپا نمود (هاله شاکر، ۲۰۰۴، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ ثعالبی، ۱۸۶۷، ص ۱۳۶؛ قزوینی، ۱۸۴۸، ص ۳۶۰).

### حافظ، غزلیات (غزل شماره ۳۵۶):

اگر باور نمی داری رواز صورتگر چین پرس که مانی نسخه می خواهد ز نوک کلک مشکینم

سپس، صنعت ساخت کاغذ از سمرقند به اقصی نقاط امپراتوری اسلامی، به ویژه پایتخت آن، بغداد، منتقل شد و فضل بن یحیی برمکی اولین کارگاه تولید کاغذ را در بغداد، در عهد خلیفه هارون الرشید، تأسیس کرد. در زمان وزارت جعفر بن یحیی، ایشان دستور داد تا در دیوان های دولتی کاغذ جایگزین پوست شود، که به جهت جلوگیری از امکان محو و تزویر در نوشته های روی پوست بود. ساخت کاغذ در بغداد چنان رواج یافت که کاغذ مرغوبی در آنجا تولید می شد که بعدها به نام «کاغذ بغدادی» مشهور شد (خیرالله، ۲۰۰۰، ص ۱۵۵). این صنعت، ظرف مدتی (حدود ۵ قرن) از سمرقند به نواحی زنجان، بغداد و از آنجا به دمشق، فلسطین، یمن، طرابلس، مصر، و مراکش رسید. از راه شمال آفریقا، به اندلس و جنوب اروپا، و از مصر و فلسطین به سیسیل و ایتالیا راه یافت (آذرنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰).

### گسترش تولید انواع کاغذ در ایران و مناطق مختلف اسلامی

کاغذ، هنگام ظهورش، رقابت شدیدی با پوست و پاپیروس پیدا کرد و جایگزین آنها شد؛ به خصوص، در مکتوبات و رسائل و اسناد نوشته شده در دیوان های دولت اسلامی و نوشته هایی که مردم برای معاملات و قراردادهای بین خودشان تنظیم می کردند.

ابن ندیم می گوید شروع ساخت کاغذ در ایران در خراسان بوده و صنعتگرانی از چین کاغذ را در خراسان، همانند کاغذ چینی، از کتان تولید می کرده اند؛ و سپس شش نوع کاغذ را نام برده که در آنجا تولید می شده است (ابن ندیم، ۱۹۷۱، ص ۲۲).

کاغذ سمرقندی، از قرن ۴ تا قرن ۱۰ و ۱۱ ق. در حد وسیعی شهرت داشته و قدیمی ترین منبعی که در آن از ساخت کاغذ سمرقندی می توان اطلاع پیدا کرد، کتاب جغرافی حدود العالم من المشرق و المغرب (۳۷۱ ق.) است که در آن کتاب چنین آمده «از شهر سمرقند، کاغذ به اقصی نقاط عالم نقل می شد» (حدود العالم، ۱۳۴۰، ص ۱۰۷-۱۰۸). ابوسعید سمعانی هم در ماده «کاغذی» با قاطعیت اعلام کرده که کاغذ در مشرق زمین فقط در شهر سمرقند ساخته می شود

(سمعانی، ۱۹۱۲، ص ۴۷۲؛ عواد، ۱۹۴۸، ص ۴۱۵ و ۴۱۹-۴۲۰).

### منوچهری، دیوان اشعار (قصاید و قطعات، شماره ۴۸ - در مدح منوچهر بن قابوس):

چنان کارگاه سمرقند گشت  
زمین از در بلخ تا خاوران  
در و بام و دیوار آن کارگاه  
چنان زنگیان کاغذگران

در شهرهای ایران از سمرقند، نیشابور، اصفهان، قزوین، و شوشتر افراد و خانواده‌های زیادی با نام کاغذی مشهور بودند که در تاریخ این شهرها ذکر شده‌اند؛ و این نسبت، بنابر قول سماعانی (۱۹۱۲، ص ۴۷۲)، به جهت اشتغال آنان در گذشته یا حال به ساخت کاغذ و یا تجارت با آن بوده است.

همین‌طور ذکر اصطلاح «کاغذخانه»، در وقفیه رشیدی، دلالت بر کارگاه ساخت کاغذ در ربع رشیدی تبریز دارد (همدانی، ۱۳۵۰، ص ۲۰۷). همچنین، راسته بازاری که در همدان تا نیم قرن قبل به نام «راسته کاغذ مالخانه» زیانزد مردم بود؛ و در یزد هم نامبردار بودن «کوچه کاغذگری» در محله قدیمی فهادان، دلالت بر وجود کارخانه‌های ساخت کاغذ در همدان و یزد دارند (افشار، ۱۳۹۰، ص ۹۱).

دیری نپایید که ساخت کاغذ در سایر مناطق اسلامی انتشار یافت و محدود به خراسان و سمرقند نماند. ابن خلدون گفته: «تالیفات علمی و دیوان‌ها زیاد شد و مردم در شهرهای مختلف مشتاق ترویج استنساخ و تجلید این کتاب‌ها و تألیف‌ها شدند و صناعت و راقی برای استنساخ و تصحیح و تجلید و سایر امور نوشتاری و دیوانی خصوصاً در شهرهای بزرگ (جهان اسلام) شکل گرفت» (ابن خلدون، ۱۹۷۹، ص ۹۷۳-۹۷۴).

شهرها و کشورهایی دیگر، که مراکز تولید و ساخت کاغذ شدند، عبارت‌اند از: بغداد، شام، مصر، اندلس، و شمال آفریقا (عواد، ۱۹۴۸، ص ۴۲۶-۴۲۹؛ ناصر خسرو، ۱۹۷۰، ص ۴۸؛ یاقوت حموی، ۱۹۳۸، ج ۷، ص ۱۷۶؛ المقدسی، ۱۹۰۶، ص ۲۳۷).

بنابراین، منابع قدیمی از زمان ابن ندیم (اواخر قرن چهارم ق.) تا زمان قلقشنودی (قرن نهم ق.) اشارات زیادی به گستردگی صنعت ساخت کاغذ در مناطق مختلف اسلامی دارند و طبعاً از این منابع معلوم می‌شود که اسلوب‌های ساخت کاغذ و کیفیت و مرغوبیت آنها متنوع بوده است.

### تنوع عنصر کاغذ در متون قدیمی

فهرست‌نگاران معاصر در کشورهای شرقی، اوراق نسخ خطی را با صفت عام به اسامی معرفی کرده‌اند که بیشتر جنبه تجربی دارد و چه بسا تعدادی از آنها با مستندات تاریخی منافات داشته

باشد. به طور مثال، اگر قرآن به خط یاقوت مستعصمی (متوفی ۶۸۰ ق.) با کاغذ دولت آبادی معرفی شده باشد، صحیح نمی باشد، چرا که در منابع قبل از قرن ۱۱ ق. از این کاغذ نام برده نشده است.

در متون قدیمی، فقط کیفیت برخی از انواع کاغذهای به کار رفته شده به صورت عام مورد اشاره قرار گرفته شده، همانند اشارات زیر:

**۱) کاغذ فرعونى و مصرى:** کاغذ فرعونى کاغذى قابل رقابت با کاغذ پاپيروس در مصر بوده و قدیمی ترین متون عربى مشاهده شده که بر روی این نوع کاغذ تدوین شده به اواخر قرن دوم ق. می رسد. قلقشندى، کاغذ مصرى را بر دو قطع منصورى و عادى دانسته که قطع منصورى بزرگ تر بوده و کمتر آهار مهره می شده و، کاغذ عادى که معمولاً آهار مهره و صیقل داده می شده است (قلقشندى، ۱۹۱۲، ج ۲، ص ۴۸۲) و این گفته قلقشندى دلالت دارد بر اینکه کاغذ منصورى از کیفیت نسبتاً خوبى برخوردار بوده است.

**۲) کاغذ بغدادى:** قلقشندى گوید بهترین نوع کاغذ بغدادى است و آن کاغذى است ضخیم، نرم، و با اجزای متناسب و غالباً در کتابت مصاحف شریفه به کار رفته است (قلقشندى، ۱۹۱۲، ج ۲، ص ۴۸۲).

**مولوى، دیوان شمس (رباعیات، رباعی شماره ۱۵۱۳):**

من کاغذهای مصر و بغداد ای جان / کردم پر زآه و فریاد ای جان

**سعدى (قصاید، قصیده شماره ۵۴):**

ملوک روی زمین بر سواد منشورت / نهاده سر چو قلم بر بیاض بغدادى

**۳) کاغذ شامى:** قلقشندى گوید پس از کاغذ بغدادى (از لحاظ مرغوبیت) کاغذ شامى است (قلقشندى، ۱۹۱۲، ج ۲، ص ۴۸۲). ناصر خسرو، هنگامی که به سال ۴۳۸ ق. شهر طرابلس را زیارت کرده گفته: «اهالی این شهر کاغذ زیبایى را می سازند همانند کاغذ سمرقندى بلکه بهتر از آن» (ناصر خسرو، ۱۹۷۰، ص ۴۸) و این اشارت ناصر خسرو دلالت بر مرغوبیت کاغذ شامى دارد.

**خاقانى (قصیده شماره ۸۰، مطلع دوم):**

رنگ خضاب بر سر دنیا برافکند / قوس قزح به کاغذ شامى به شام گاه

**خاقانى (قصیده شماره ۲۱، مطلع سوم):**

شاه عراقین طراز کز پی تویع او / کاغذ شامى است صبح خامه مصرى شهاب



۴) **کاغذ مغربی:** اگرچه شریف ادریسی گوید «در شهر اندلس کاغذ ساخته می‌شد آن‌چنان که نظیرش در سرزمین‌های دیگر یافت نمی‌شد» (قلقشندی، ۱۹۱۲، ج ۲، ص ۴۸۸) این نوع کاغذ را مذمت کرده و چنین گفته: «کاغذ اهالی مغرب و فرنگ پست و نامرغوب است و با سرعت کهنه می‌شود و ماندگاری آن کم است و به همین جهت مصحف‌های شریفه را بر روی پوست می‌نویسند».

۵) **کاغذ اصفهانی:** مؤلف کتاب *جغرافی اصفهان* (تألیف قرن ۱۳ ق.) چنین گفته: «در کارخانه کاغذگری قدیمی اصفهان چند نوع کاغذ ساخته می‌شود یکی فستقی و دیگری کاغذی که قدری کلفتی حجم دارد و دیگری کاغذ مشهور به «چهار بغل» که نازل منزل کاغذ ترمه است و کاغذ به آن خوبی دیده نشده و برخی ترجیح به خانبالغ می‌دادند و نوع آخر کاغذ متعارف همان زمان است که چندان تعریف ندارد» (تحویلدار، ۱۳۴۲، ص ۱۰۵). مترجم کتاب *محاسن اصفهان* (تألیف اوایل قرن ۸ ق.) در توصیف کاغذ مرغوب اصفهانی گوید: این کاغذ در مرغوبیت از جهت تمیزی و صافی، صفحات، حجم و شکل آن، نرمی و لطافت، استحکام و روان بودن بی‌نظیر بوده است (مافروخی، ۱۳۲۸).

اگرچه منابع قدیمی از عصر ابن ندیم (قرن ۴ ق.) تا قلقشندی (قرن ۹ ق.) و منابع دیگر تا قرن ۱۲ ق. اشارات زیادی به ساخت کاغذ و انواع آن در مناطق مختلف داشته‌اند؛ به جز توصیفات محدود و جزئی در بیان ویژگی‌های این کاغذها، مطالب دیگری که ترکیب انواع کاغذهای مختلف را - که مخطوطات قدیمی بر روی آنها نوشته شده - معین کند و ما بتوانیم با استناد به آن مطالب، نمونه‌های کاغذ را توصیف کنیم، وجود ندارد (شبوخ، ۱۹۷۰، ص ۱۶).

### تحلیل کاغذهای رایج در نسخه‌های خطی ایرانی-اسلامی

در نسخه‌های خطی و قدیمی جهان اسلام، به تناسب محل کتابت و دسترس‌پذیری کاتبان و رزاقان به کاغذهای مختلف، و دیدگاه آنان به نسبت نوع متن کتاب و نفیس یا عادی بودن آن، از انواع مختلفی برای کاغذ آن نسخه (کاغذ مرغوب و گران یا کاغذ معمولی و تحریری و یا کاغذ نامرغوب و ارزان) استفاده می‌شده است. در متون تاریخی مختلف (از *الفهرست ابن ندیم تا صبح الاعشی قلقشندی* و متون متأخر از آن) دو ویژگی برای کاغذهای مرغوب و خوب - به‌طور عام - ذکر شده که این دو ویژگی عبارت‌اند از: ۱) استحکام و دوام کاغذ، ۲) نرمی و صاف و صیقلی بودن سطح کاغذ و تناسب اجزاء (عظیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷).

برخی کاغذهای مورد استفاده در نسخه‌های فارسی و عربی از قرون سوم و چهارم ق. تا قرن سیزدهم (قبل از ظهور صنعت چاپ)، با انتساب به محل تولیدش نام و نشان خاصی گرفت و فهرست‌نگاران اسلامی، به‌ویژه ایرانی، آن کاغذها را با شواهد و قرائن مختلف نسخه‌شناسی

شناختند و برای آنها هویتی مستقل - همراه با ویژگی‌های خاص - قائل شدند و در فهرست‌های نسخ خطی از آن کاغذها نام برده‌اند. آنچه گفته شده، به تقریب و تاحدودی از روی ممارست کتابشناسی و نگاه تخصصی و گاه تفننی به مشابهت میان کاغذها بوده، و توصیف و ضوابط و معیارهای مکتوبی از فهرست‌نگاران در معرفی انواع کاغذ بر جای نمانده است. به همین دلیل، مشکل‌ترین بخش از مباحث نسخه‌شناسی در میان فهرست‌نگاران ایرانی، همین بخش معرفی نوع کاغذ در نسخه خطی می‌باشد و این مشکل تا بدان حد در میان آنان خود را بزرگ نشان داده که برخی، به حذف این عامل مهم و دقیق نسخه‌شناسی در کتاب‌های خطی و اسناد قدیمی رضایت داده‌اند.

برای جبران این نقیصه و پرکردن این خلأ، چند نوع کاغذ که بیشتر در کتاب‌پردازی و نسخه‌آرایی کتاب‌های خطی رایج بوده و در میان فهرست‌نگاران ایرانی شناخته شده، همراه با تحلیل ویژگی‌ها و حدود دوره زمانی استفاده هر کدام و بیان نمونه‌هایی مستند از آنها - با توجه به: (۱) توصیفات بسیار محدودی که در برخی منابع از بعض آنها شده، (۲) تحلیل شفاهی برخی استادان فهرستنویس، (۳) ممارست چندین ساله در فهرستنویسی نسخه‌های خطی، و (۴) یافتن نشانه‌ها و آماره‌هایی - هر چند مختصر از کاتب و محل کتابت نسخه - به شرح زیر بیان می‌گردد.

**(۱) کاغذ پوستی:** از پوست حیوانات و بیشتر پوست آهو یا گوسفند تهیه می‌شده، ضخامت آن کم و نسبتاً نازک بوده است. از ویژگی‌های بارز این نوع کاغذ استحکام و یکپارچگی، یک تکه بودن تمامی ورق، و صدای خاصی است که هنگام ورق زدن پوست به گوش می‌رسد. بیشتر در قرون ۳ تا ۶ ق. تولید می‌شده و معمولاً به صورت اوراق بوده که در آن آیات قرآن کریم به خط کوفی نوشته می‌شده است؛ همانند ورق پوست حاوی آیات ۱۲۱ تا ۱۳۲ سوره آل عمران، به شیوه کوفی مشرقی، و کتابت قرن سوم ق. (شماره ۲۱۴۰۹ کتابخانه ملی)؛ و در موارد محدودی هم رساله یا کتاب کوچکی مشاهده شده که تمامی اوراق آن بر روی پوست استنساخ شده است، همانند طومار نیایش (نسخه خطی شماره ۳۰۶۶۰)، و طومار ادعیه (نسخه خطی شماره ۲۰۷۸۶ کتابخانه ملی).

خطوط منسوب به ائمه معصومین، که در کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان وجود دارد، بر روی اوراق پوست بوده و مربوط به قرن اول و دوم ق. است.

**(۲) کاغذ سمرقندی:** کاغذی است ضخیم و مستحکم با بافتی منسجم و صاف. این کاغذ، حدوداً از قرن ۳ و ۴ ق. تا قرن ۹ و ۱۰ ق. برای کتاب‌های ارزشمند و مهم علمی رواج داشته و عمدتاً به رنگ نخودی است. زکریای قزوینی (۱۸۴۸، ص ۳۴۰) بهترین کاغذ را سمرقندی و پس از آن بغدادی دانسته است. ثعالبی نیشابوری (۱۸۶۷، ص ۲۱۸) ساخت کاغذ را از خصایص

سمرقند دانسته که این کاغذ، قرطاس‌های مصری را بی‌ارح کرده زیرا که خوب‌تر و نیک‌تر و نرم‌تر و مناسب‌تر برای نوشتن است. بابر (۱۹۹۳، ج ۱، ص ۹۶) گفته در عالم کاغذ، خوب از سمرقند برآید.

قدیمی‌ترین نسخه خطی فهرست شده در ایران، با کاغذ سمرقندی، رساله فی‌الهدایه و الضلاله از صاحب‌بن‌عباد، به خط کوفی، و کتابت ۳۶۴ ق. است؛ که در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۴۳۷ نگهداری می‌شود. و قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی کتاب الخلاص، تألیف ادیب نطنزی، با کتابت ۴۷۵ ق.، با شماره ۶/۱۱۴۳ ع، با کاغذ سمرقندی است. نسخه‌های دیگر از کتابخانه ملی با کاغذ سمرقندی: نسخه شماره ۶/۴۰ ع مجموعه‌ای است با کتابت قرن ۷ ق؛ نسخه شماره ۴۸۹۴ شرح مشکلات القادوری، با کتابت سال ۷۹۷ ق.

**۳) کاغذ بخارایی:** کاغذی است نازک و محکم با بافتی نسبتاً منسجم و یکدست که در منطقه ماوراءالنهر (بخارا) ساخته می‌شد و تفاوت عمده آن با کاغذ سمرقندی ضخامت کمتر و نازکی آن است. برخی، این کاغذ را ترمه بخارایی نیز نامیده‌اند.<sup>۴</sup> در منابع عربی، همانند تحقیق المخطوطات و صناعة المخطوط العربی، از کاغذ بخارایی، به‌عنوان کاغذ خوب (و همانند سمرقندی) نام برده شده است (نهر، ۲۰۰۵، ص ۵۴؛ صناعة المخطوط العربی الاسلامی من الترمیم الی التجلید، ۲۰۰۸، ص ۳۱۷). این کاغذ، هم‌زمان با کاغذ سمرقندی، و حتی کمی بعد از آن تا قرن سیزدهم تولید می‌شد و بیشتر در دیوان‌های شاعران و نسخه‌های ارزشمند و نفیس مورد استفاده قرار می‌گرفت. نسخه‌هایی از کتابخانه ملی با کاغذ بخارایی عبارت‌اند از: نسخه شماره ۱/۱۳۴۰ ف تحفة الأبرار طبرسی با کتاب سال ۱۰۴۳ ق؛ نسخه شماره ۲۵۶۳ ع المعجبی ابن طائوس، کاتب حسینی مرعشی (مرعش ناحیه‌ای در آسیای صغیر)، کتابت به سال ۱۰۹۳ ق؛ نسخه شماره ۵/۲۲۵ ع زاد المعاد مجلسی (با تزئین مکتب خراسان)، کتابت به سال ۱۱۹۹ ق؛ نسخه شماره ۳/۳۸۵۲ ف نزهة الأرواح با کتابت ۱۲۳۱ ق. کاتب ترسون محمدبن بدر محمد و محل کتابت کش (از بلاد آسیای صغیر) و تزئینات سبک هرات؛ و نسخه تزئین‌دار شماره ۵۰۱۵ ف مثنوی مولوی، کتابت به سال ۱۲۶۰ ق.

**۴) کاغذ بغدادی:** کاغذی بوده بسیار مرغوب که به گفته قلقشنندی (۱۹۱۲، ج ۶، ص ۱۹۰-۱۹۲) از کاغذ شامی بهتر است. این کاغذ ضخیم، نرم، و شفاف، با بافتی منسجم و نخودی رنگ است و غالباً در کتابت مصاحف به‌کار می‌رفت. زکریای قزوینی، در عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (ص ۳۴۰)، ذیل باب تجارت، بهترین کاغذ را، پس از سمرقندی، کاغذ بغدادی دانسته است (افشار، ۱۳۹۰، ص ۹۶). جزوات قرآنی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۷۰ و ۷۱ با کتابت عثمان‌بن‌حسین و راق غزنوی، به سال ۴۶۲ ق. در بغداد روی کاغذ بغدادی استنساخ شده است. همچنین، قرآن موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی

۴. کاغذی منسوب به خوقند با نام خوقندی در میان افغانان شهرت داشته و در فهرست نسخ خطی آرشیو ملی افغانستان از آن کاغذ بارها نام برده شده است. با توجه به آنکه خوقند از شهرک‌های نزدیک بخارا است، احتمال دارد این همان کاغذ بخارایی باشد که در میان فهرست‌نگاران ایرانی مشهور بوده است.

نجفی، به شماره ۴۳۵۸ (جزء ۸ و ۱۷) با کتابت علی بن هلال، مشهور به ابن بواب، به سال ۳۹۲ ق.، در بغداد با کاغذ بغدادی است. این کاغذ، بیشتر در منطقه بین‌النهرین (به ویژه بغداد) مورد استفاده کاتبان قرن‌های چهارم و پنجم و ششم برای کتابت قرآن کریم بوده است.

**(۵) کاغذ شامی:** کاغذی است که در شهرهای شام ساخته می‌شد و کاغذی است ضخیم و مستحکم (با ضخامت کمتر از سمرقندی)، شفاف و صیقلی (شفافیت و صیقلی بودن آن بیشتر از سمرقندی) و ظاهر آن شبیه سمرقندی است؛ مؤلف فرهنگ آنندراج آن را به‌غایت سفید و شفاف و لطیف وصف کرده است. همچنانکه ناصرخسرو هم آن را با سمرقندی مقایسه کرده است. ظاهراً این کاغذ در میان عرب‌ها به دمشق شهرت داشته است.

قدیمی‌ترین کتابی که در شام شناخته شده، کتابی است با کتابت ۲۶۶ ق.، که بر روی کاغذ شامی نوشته شده و از نسخ خطی دارالکتب الظاهریه دمشق بوده که هم‌اکنون در مکتبه‌الاسد نگهداری می‌شود (کردعلی، ۱۳۴۸ ق.، ص ۲۴۳). نسخه شماره ۱۸۱۱۷ کتابخانه ملی، مطول تفتازانی، کتابت به سال ۷۷۰ ق.، محل کتابت مصر و کاتب زین‌العرب به احتمال زیاد با کاغذ شامی می‌باشد. این کاغذ، بیشتر در منطقه شام و در قرن‌های سوم و چهارم تا قرن نهم و برای کتاب‌های معتبر و مهم علمی مورد استفاده قرار می‌گرفته و از کاغذهایی بوده که در ابتدای ورود هنر کاغذسازی به سرزمین‌های اسلامی مشهور شده است.

**(۶) کاغذ خانبالغ:** این کاغذ در خانبالغ (نام مغولی پکن) تولید می‌شد و کاغذی است محکم، نازک، و یا نسبتاً ضخیم؛ اما بافت آن چندان یکدست و منسجم نیست و بیشتر به رنگ خنایی مشاهده شده است. از این کاغذ، بیشتر برای کتاب‌های درسی و متون علمی استفاده می‌شد. این نوع کاغذ، در نسخه‌های کتابت سده‌های ۹ تا ۱۳ ق. مشاهده شده است. در کتاب رستم‌التواریخ از کاغذ خانبالغ ذکری وجود دارد (رستم‌الحکما، ۱۳۸۰، ص ۸۵) و در بیاضی از مکاتیب عصر صفوی هم چند بار از کاغذ خانبالغی ساده و ضخیم یاد شده است (افشار، ۱۳۹۰، ص ۹۹).

این کاغذ، برای کتاب‌های درسی و متون معمولی به کار می‌رفت. نمونه‌هایی از کاغذ خانبالغ در کتابخانه ملی: نسخه شماره ۵۰۳۴/۲ دلائل‌الخیرات و شوارق‌الانوار جزولی، با کتابت سال ۱۱۷۵ ق. (با تزئینات مکتب هرات)؛ نسخه شماره ۵۱۷۴/ع مناقجات امام علی (ع) (همراه با آرایه) با کتابت سال ۱۲۷۹ ق.؛ نسخه شماره ۴۴۹/ع حاشیه تفسیر بیضاوی.

**(۷) کاغذ ختایی:** کاغذی است که در «ختا»ی چین تولید می‌شده و ضخیم و درخشان و شفاف است و بافت آن منسجم‌تر از خانبالغ و مرغوب‌تر از آن است. این کاغذ بیشتر به رنگ نخودی است. محمد شفیع همدانی (قرن ۱۲ ق.) در کتاب شهر آشوب، از کاغذ کشمیری همانند ختایی نام برده و چنین گفته: «و کاغذهای ختایی و کشمیری که کاغذساز دوران در کارخانه صنع به بی نظیری از تار ابریشم پيله آفتاب و پنبه پر تو مهتاب ساخته... به مرتبه‌ای خوش قماش بود که

۵. نگارنده، این نسخه خطی را در مکتبه‌الاسد دمشق مشاهده کرده و ویژگی‌های کاغذ آن را بررسی کرده است. عنوان این کتاب مسائل الامام احمد بن حنبل بوده و با شماره ۱۱۲۵ در کتابخانه مذکور نگهداری می‌شود.  
۶. تحویلدار در کتاب جغرافیای اصفهان ص ۱۰۵ کاغذ مشهور به چهار بغل (که نازل منزل کاغذ ترمه بوده) را ضمن آنکه قدری ناصاف دانسته چنین گفته: «برخی ترجیح به خانبالغ می‌دادند». از این مقایسه معلوم می‌شود که کیفیت این دو کاغذ شبیه به یکدیگر بوده است.

...». مرغوبیت کاغذ ختایی از عبارت میرزا مهدی خان استرآبادی (۱۳۴۱، ص ۵۸) منشی نادرشاه نیز به خوبی برمی آید: «در مشکوی مشکبوی اوراق ختایی ... بیان رازلف زنگی آویخته‌ای». این کاغذ، در کتابت متون معتبر علمی ویا آرایه‌دار مورد استفاده قرار می‌گرفت و دوره زمانی استفاده از آن همانند کاغذ خانبالغ است. نمونه‌هایی از کاغذ ختایی در کتابخانه ملی: نسخه شماره ۲۵۴۹ ف ایبات خیام، کتابت ۹۴۲ ق. (همراه با تزئینات)؛ نسخه شماره ۵۲۱۱ ع/ زادالمعاد مجلسی، با کتابت ۲۳۸ ق. (با آرایه‌های مکتب هرات) مهور به مهر با سجع حروف روسی و لاتین.

**۸) کاغذ سیالکوتی (هندی):** از قرن ۹ ق. به بعد در هندوستان ساخته می‌شد و نسخه‌های خطی فارسی معمولی - که در آن منطقه کتابت می‌شد - بیشتر بر روی این کاغذ استنساخ شده است. از ویژگی‌های این کاغذ، تردی و شکنندگی آن است، عموماً به رنگ نخودی تیره و آهارمهره شده است. این کاغذ، غیر مرغوب و ارزان بوده است. در فهرست گنجینه شیخ صفی (ص ۲۶) از کاغذ گجراتی یاد شده که شاید همین کاغذ سیالکوتی باشد. از اشاره عبدی بیگ شیرازی در قرن ۱۰ ق. در کتاب مثنوی جوهر فرد (ص ۹۵) به کاغذ هندی، معلوم می‌شود ایرانیان مقداری کاغذ (با کیفیت‌های مختلف) از هند، به خصوص در دوره صفویه، برای استنساخ نسخه‌های خطی می‌آوردند (افشار، ۱۳۹۰، ص ۸۴). نمونه‌هایی از این کاغذ در نسخه‌های خطی کتابخانه ملی: نسخه شماره ۷۴۲۰ ف خلاصه العیش با کتابت قرن ۱۳ ق.؛ نسخه شماره ۷۴۱۹ ع رساله در طب؛ و نسخه شماره ۷۴۱۷ ف دستورالمبتدی محل کتابت هند.

**۹) کاغذ کشمیری:** در منطقه کشمیر تولید می‌شد و براق‌تر و صاف‌تر از سیالکوتی و با ضخامت کمتر و مرغوب‌تر از سیالکوتی و شبیه ترمه بخارایی است. این کاغذ، در میان ایرانیان، به مرغوبی شهرت یافته بود. نمونه‌هایی از این کاغذ در نسخه‌های خطی کتابخانه ملی: نسخه شماره ۷۴۱۸ با عنوان نکات و کتابت ۱۲۱۹ ق.؛ نسخه شماره ۵۱۶۸ ع منتخب ادعیه، محل کتابت کشمیر با کتابت ۱۲۵۱ ق. (همراه با تزئینات مکتب کشمیر)؛ و نسخه شماره ۳۳۷۴ ع قرآن محل کتابت هندوستان با کتابت ۲۷۸ ق. (همراه با تزئینات).

**۱۰) کاغذ دولت‌آبادی:** این کاغذ هم در دولت‌آباد هند تولید می‌شد و صاف‌تر و یکدست‌تر و خالص‌تر از کشمیری و سیالکوتی بوده و با تردی و شکنندگی کمتر از آنهاست. چون این کاغذ مرغوب‌تر از دیگر کاغذهای هندی بوده، کتاب‌های مهم و نفیس بر روی این کاغذ استنساخ می‌شد. برخی فهرست‌نگاران، به اشتباه، این کاغذ را به دولت‌آباد اصفهان نسبت می‌دهند. در منابع قبل از قرن یازدهم، از این کاغذ، نام برده نشده است. در دستورالملک میرزا رفیعا (ص ۶۲) ذکر کاغذ دولت‌آبادی آمده و میرعماد در *آداب المشق*، نام دیگر این کاغذ را «سلطانی» آورده است (افشار، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). در برخی منابع نیز آمده است که کاغذ دولت‌آبادی در حیدرآباد و

۷. گواه این مطلب عبارتی است از محمد شفیع همدانی در شهر آشوب [نسخه خطی کتابخانه مرعشی، ص ۱۷] است که اواز کاغذ کشمیری همانند کاغذ خطایی به بی‌نظیر بودن توصیف می‌کند. رک به: (افشار، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

احمدآباد هند از حریر ساخته می‌شده است (نهر، ۲۰۰۵، ص ۵۴؛ صناعة المخطوط العربی من الترمیم الی التجلید، ۲۰۰۸، ص ۳۱۷). نمونه‌هایی از این کاغذ در نسخه‌های خطی کتابخانه ملی: نسخه شماره ۱۷۸۰۷ ف شاهنامه فردوسی کتابت به سال ۱۲۵۹ ق. (بامینیاتورهاى به سبک هندی): و نسخه شماره ۲۶۲۸۴ ف طوطی‌نامه با کتابت قرن ۱۳ ق. (بامینیاتورهاى به سبک هندی).

**(۱۱) کاغذ اصفهانی (سپاهانی):** این کاغذ، در دوران صفوی و قاجار، در اصفهان، با دو کیفیت ساخته می‌شد. نوع اول آن، از ضخامت چندانی برخوردار نبود و بافت آن کاملاً ناصاف و ناهماهنگ بود و چون کاغذ مرغوبی نبود عمدتاً آهار مهره می‌شد و برای استفاده در کتاب‌های درسی و معمولی به کار می‌رفت. نوع دوم، کاغذ ضخیم و محکم با بافت هماهنگ و یکدست بوده است. مؤلف کتاب جغرافیای اصفهان، یک قسم از کاغذهای ساخت کارخانه کاغذگری قدیمی و بسیار بزرگ اصفهان را کاغذی دانسته که قدری کلفتی حجم داشته و دوامش نسبت به همه کاغذها بیشتر است (و قسم دیگر را کاغذ متعارف در همان زمان دانسته که چندان تعریف ندارد) (تحویلدار، ۱۳۴۲، ص ۱۰۵).

این نوع مرغوب، کاغذی با بافت و کیفیتی شبیه به ختایی بوده و در متون آرایه‌دار و نفیس مورد استفاده قرار می‌گرفت و بهتر است به جهت تمایز از نوع اول، سپاهانی نامیده شود. کاغذ اصفهانی و سپاهانی، بیشتر در قرون ۱۱ تا ۱۳ ق. مورد استفاده قرار می‌گرفته است. نمونه‌هایی از نسخه‌های آرایه‌دار با کاغذ مرغوب سپاهانی در کتابخانه ملی: نسخه شماره ۵۶۵۰ ع/قرآن کتابت سال ۱۲۸۳ ق. با تزئینات مکتب اصفهان؛ نسخه شماره ۵۶۷۵ ع/قرآن کتابت سال ۱۲۸۳ ق. با تزئینات مکتب اصفهان؛ نسخه شماره ۵۲۳۰ ع/صحیفه سجادیه کتابت قرن ۱۳ ق. با تزئینات مکتب اصفهان؛ و نسخه شماره ۵۳۸۰ ف/مثنوی هفت اورنگ جامی با کتابت قرن ۱۳ ق. همراه با آرایه و تزئینات.

**(۱۲) کاغذ ترمه:** کاغذ بسیار مرغوبی بوده که در اصفهان از ترمه نازک و ظریفی ساخته می‌شده است. این کاغذ، بسیار ظریف و نازک و در عین حال محکم و بادوام و بانسوج یکنواخت و منظم است. کاغذهایی که به رنگ ترمه‌ای یا فستقی (پسته‌ای)<sup>۸</sup> باشد به راحتی قابل تمییز است. نسبت دادن این کاغذ به ترمه، طبق نوشته ناظم‌الاطباء نفیسی، به مناسبت محکم بودن جنس آن است و نیز گفته‌اند آن را در شمال ترمه می‌گذاشتند تا ترمه از بیدخوردگی در امان بماند (افشار، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹). برخی نسخه‌های دیوانی دوره صفویه و قاجار، که دارای تزئینات و خوشنویسی بوده، روی همین کاغذ کتابت می‌شد. تعداد زیادی از نسخه‌های خطی نفیس هنری دوره قاجار با کاغذ ترمه می‌باشد، همانند نسخه‌های زیر در کتابخانه ملی: نسخه شماره ۱۷۴۶۸ قرآن بسیار نفیس با تذهیبات و آرایه‌های دوره قاجار؛ نسخه شماره ۶۰۱۶ ع/قرآن با کتابت اسلمه دختر فتحعلی‌شاه به سال ۱۲۴۶ ق. و تزئینات مکتب اصفهان؛ نسخه شماره ۱۲۳۶

۸. مؤلف جغرافیای اصفهان ویژگی کاغذ فستقی را توصیف کرده است: «یکی از انواع کاغذهای ساخت کارخانه قدیمی کاغذگری اصفهان [فستقی است] که خیلی صاف و خوش قلم بود و لطافت و دوامش زیاد بود» (تحویلدار، ۱۳۴۲، ص ۱۰۵).

منتخب شاهنامه با کتابت محمود حکیم پسر وصال ۱۲۶۹ ق. و آرایه‌ها و تزئینات مکتب شیراز؛ نسخه شماره ۵۲۳۰ دیوان حافظ کتابت ۱۲۵۸ ق. با تزئینات و آرایه‌ها؛ نسخه شماره ۵۱۵۶ مثنوی مولوی کتابت ۱۲۵۶ ق. با تزئینات و آرایه‌ها؛ و نسخه شماره ۱۹۷۶۷ زادالمعاد مجلسی کتابت ۱۲۴۷ ق. با تزئینات مکتب شیراز.

**(۱۳) کاغذ فرنگی:** از قرن ۱۰ و ۱۱ ق. به بعد، با ورود کاغذهای ماشینی و کارخانه‌ای که توسط اروپاییان تولید و به منطقه ایران و هندوستان فرستاده می‌شد، صنعت ساخت کاغذهای دست‌ساز در این مناطق از رونق افتاد به نحوی که، در ایران، از دوران صفویه کاغذخانه‌هایی رونق شد و در عصر قاجاریه تقریباً دیگر هیچ نوع کاغذ دستی (مگر در موارد محدود) در ایران ساخته نشد و در دوران قاجار تمامی نسخه‌های خطی استنساخ شده در ایران (به جز تعداد محدودی از نفایس هنری) بر روی کاغذهای فرنگی بوده است. از ویژگی کاغذ فرنگی آن است که چون آن را در معرض نور قرار دهیم خطوط موازی یا نقوش و اشکال هندسی یا نشانه‌هایی از مهرهای فشاری و یا حروف بزرگ لاتین دیده می‌شود که در درون کاغذ با ماشین تعبیه شده است. برخی مهرهای برجسته فشاری و یا حروف لاتین کاغذها به زبان روسی است که این نوع کاغذها از روسیه به ایران می‌آمده و کاغذ تعدادی از کتاب‌های چاپ سنگی نیز ساخت روسیه بوده است.

تعدادی از نسخه‌های نفیس هنری در کتابخانه ملی با کاغذ فرنگی می‌باشد همچون: نسخه شماره ۵۳۰۹ ع/منتخب ادعیه و قرآن با کتابت ۱۲۳۸ ق. و تزئینات مکتب اصفهان؛ نسخه شماره ۷۰۷۳ ع/قرآن آرایه دار با کتابت ۱۲۴۲ ق.؛ نسخه شماره ۵۲۶۴ ف/مثنوی با کتابت ۱۲۴۵ ق. همراه با تزئینات؛ نسخه شماره ۵۳۶۶ ع/دعای صباح با کتابت محمد شفیع تبریزی به سال ۱۳۳۹ ق.؛ و نسخه شماره ۴۰۶۷ ف/گلستان سعادی با کتابت قرن ۱۳ ق. همراه با تزئینات با کاغذ فرنگی آبی.

**(۱۴) کاغذ کاهی:** کاغذی نامرغوب و ارزان بوده و از جنس کاه ساخته می‌شده و ذرات کاه و ناهمواری به راحتی در بافت این کاغذ قابل مشاهده است. کاغذ کاهی، بیشتر برای دفاتر دخل و خرج و مسوده‌ها (چرکنویس‌ها)ی برخی رساله‌ها به کار می‌رفته است. دفاتر متعددی از اسناد دخل و خرج دوره قاجار در کتابخانه ملی با کاغذ کاهی می‌باشد. از این کاغذ در برخی متون، همچون قصیده ناصر خسرو و با کاغذ دفتری نام برده شده است.

**ناصر خسرو (قصاید، قصیده شماره ۶):**

نبیند که پیشش همی نظم و نثرم  
چو دیبا کند کاغذ دفتری را

## نتیجه‌گیری

گونه‌هایی از عنصر کاغذ، که بیشتر میان فهرست‌نگاران نسخ خطی، فقط با ذکر نام (نه با تحلیل ویژگی‌ها) شناخته شده‌اند در این مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت؛ ولی با توجه به تنوع بیشتر کاغذهایی که در طول بیشتر از هزار سال در کتاب‌پردازی نسخ خطی ایرانی و اسلامی رایج بوده و به گفته استاد افشار (۱۳۹۰، ص ۹۴) نام‌گذاری آنها یا با انتساب به محل جغرافیایی یا نام اشخاص و یا براساس کیفیت و مناسبت‌های دیگر می‌باشد و بیشتر این نام‌ها در کتاب وی «کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی» ذکر شده است، بدون آنکه مورد تحلیل و بررسی گونه‌شناسی قرار گیرند، پس لازم است تحقیقات بیشتری پیرامون گونه‌شناسی انواع کاغذ صورت گیرد. در زمان حاضر، با توجه به توصیف استنادی ویژگی‌های انواع کاغذ، که در منابعی بسیار محدود، همچون مقاله حاضر توسط نسخه‌شناسان ذکر شده و یا استفاده از دانش و فناوری روز و با بهره‌گیری از متخصصان علم شیمی باید به تحلیل و تجزیه آزمایشگاهی گونه‌های کاغذ پرداخت و سرانجام با تمییز علمی-تجربی ویژگی‌های هر گونه از گونه دیگر به تدوین اطلس گونه‌شناسی عنصر کاغذ روی آورد.

## منابع

- آذرننگ، عبدالحسین (۱۳۸۱). *میانی‌نشر*. ویرایش ۳. تهران: سمت.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۷۹ م.). *المقدمه*. تحقیق علی عبدالواحدوفی. قاهره: دار نهضة مصر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۹۷۱ م.). *الفهرست*. تهران: نشر رضا تجدید.
- استرآبادی، مهدی (۱۳۴۱). *دره نادره*. به کوشش سیدجعفر شهیدی. تهران: انجمن آثار ملی.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰). *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- بایر، ظهیرالدین (۱۹۹۳ م.). *بایرنامه*. به کوشش ویلیلم تاکستون.
- تحویلدار، حسین (۱۳۴۲). *جغرافیای اصفهان*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: [بی‌نا].
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک (۱۸۶۷ م.). *لطایف المعارف*. چاپ لیدن-بریل.
- جهشیاری، محمد (۱۳۴۸). *الوزراء والکتاب*. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری. تهران: چاپخانه تابان.
- حدودالعالم*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری، ۱۳۶۲.
- خالد عزب (۲۰۰۷). *وعاء المعرفة من الحجر الى النشر الفوری*. مساعدا المحرر احمد منصور و سوزان عابد، اشراف و تقدیم اسماعیل سراج الدین. اسکندریه: مکتبه الاسکندریه.
- خیرالله سعید (۲۰۰۰ م.). *وراقف بغداد فی العصر الاسلامی*. چاپ اول، ریاض: مرکز الملک الفیصل للبحوث والدراسات الاسلامیه.
- رستم‌الحکماء، محمد هاشم (۱۳۸۰). *رستم التواریخ*. به اهتمام عزیزالله عزیزاده. تهران: فردوس.



- زندیان، فاطمه؛ مرادی، نورالله (۱۳۸۵). «کاغذ». ج. ۲. *دایرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ص ۱۳۰۶-۱۳۰۸.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۳۱ ق/ ۱۹۱۲ م). *الانساب*. چاپ عکسی به کوشش دی. اس. مارگلیوت. لندن: [بی‌نا]. =
- شبوخ، ابراهیم (۱۹۷۰ م). *بعض ملاحظات على خط البرديات العربية المبكرة و مدى تأثيرها بحركات اصلاح الكتابه*. ج. ۱. قاهره: ابحاث الندوة الدولية لتاريخ القاهرة.
- صناعة المخطوط العربي الاسلامي من الترميم الى التجليد: بحوث الدورة التدريبية الدولية الثانية* (۱۴۲۹ ق. ۲۰۰۸ م). دبی: مركز الماجد للثقافة والتراث.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۷). «کاغذ در نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی نسخ خطی». *آینه میراث (ویژه‌نامه نسخه‌شناسی)*. ۴۲: ۱۶۱-۱۸۵.
- عواد، کورکیس (۱۹۴۸ م). «الورق والکاغذ صناعته في العصور الاسلاميه». *مجله المجمع العلمي العربي بدمشق*، ۲۳. قزوینی، زکریا (۱۸۴۸ م). *آثار البلاد و اخبار العباد*. چاپ وستفالد-گوتنبرگ.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات*. با تصحیح و مقابله نصرالله سبوحی. تهران: کتابخانه مرکزی.
- القلقشندی، احمد بن علی (۱۹۱۲-۱۹۳۸ م). *صبح الاعشى في صناعة الانشاء*. ج. ۱۴. قاهره: دارالکتب المصریه.
- کردعلی، محمد (۱۳۴۳-۱۳۴۷ ق). *خطط الشام*. دمشق: [بی‌نا].
- مافر وخی، مفضل بن سعد (۱۳۲۸/۱۹۴۹ م). *محاسن اصفهان*. مترجم حسین بن محمد بن ابی‌الرضا الحسینی علوی، تحقیق عباس اقبال تهران: [بی‌نا].
- المقدسی، محمد (۱۹۰۶ م). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. لیدن: نشر دی خویه.
- ناصر خسرو (۱۹۷۰ م). *سفرنامه (ترجمه عربی: رحله ناصر خسرو الى لبنان و فلسطين و مصر و الجزيرة العربية في القرن الخامس القی)*. مترجم یحیی خشاب. بیروت: دارالکتاب الجدید.
- نهر، هادی (۱۴۲۶ ق. ۲۰۰۵ م). *تحقیق المخطوطات و دراستها*. اردن: دارالامل للنشر و التوزیع.
- هاله‌شاکر، عبدالرحمن (۲۰۰۴ م). *الورق و الوراقون فی العصر العباسی*. چاپ اول، قاهره: عین للدراسات و البحوث الانسانیة و الاجتماعیه.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۳۸). *آثار و اخبار*. به کوشش منوچهر ستوده و ایرج افشار. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۰). *وقفنامه ریع رشیدی*. چاپ عکسی. به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی. تهران: انجمن آثار ملی.
- همدانی، محمدشفیع (نسخه خطی). «شهر آشوب». نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، جلد ۶ شماره بازیابی نسخه ۲۳۰۰.
- یاقوت الحموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۳۸ م). *معجم الادباء*. نشر احمد فرید رفاعی. قاهره: دارالمأمون.